

## گزارش برنامه ییلاق سوته

تاریخ اجرا: 3 مهر 94 سرپرست: سپیده فلاحتی راهنما: آقای رضا قنبر پور

جلودار: سمیرا عالی عقب دار: علیرضا سندیانی تعداد: 31 نفر (دو مینی بوس)

**نفرات شرکت کننده:** ابریشم عادللی- شیما خانم- مریم جمالپور- شیرین آریایی- سارا لسانی- عاطفه لسانی- خانم هنرکار و دخترشان- خانم آقاجانی- حنا اکبری- سپیده فلاحتی- سمیرا عالی- آرمان فاضلی- محسن اکبری- مهدی ژرفی- میلاد ساحلی- امید کریمی- شایان لطفی- آرمین عربانی- حمید نور ربخش- امید جمالپور- علیرضا سندیانی- امیر داداشی- شهرام ادیسی- داوود صحرایی- رضا امیدی- محمد بدره- آرمین الماسی- آقای هنرکار- مجید حق بین- امین تاریجو

به نام خالق هستی

دشت هایی چه فراخ / مردمانی چه نجیب / آسمان نزدیک است / ابر و خورشید به دنبال همد / آری این جا ، همه جا زیباییست / و خدایی که در این نزدیکیست / لای این خرمن ها / پشت آن کوه بلند / پس آن کلبه مرد چوپان / هر کجا چشم بیاندازی ، عشق را خواهی دید / دل به کوه و صخره / دل به دشت و جنگل / دل به راه رفتن ، تو اگر بسیاری / عاشقی جز این نیست / و تو باید بروی / تا ببینی آنجا / بر نوک آن قله ، همه جا زیباییست ... و تو عاشق هستی و همین هم کافیست ...

### جمعه سوم مهر:

طبق هماهنگی هایی که با هیات فومن برای راهنما انجام دادم و قرار بود که از سمت فومن به ییلاق سوته برویم اما با نظر راهنما و با توجه به اینکه برنامه کوهپیمایی در نظر گرفته شده بود از سمت شفت این پیمایش صورت گرفت. از نظر بعد مسافتی از سمت شفت کوتاهتر است و یک کوهپیمایی 4 ساعته خواهیم داشت.

ساعت 4:45 از بی بی حوریه حرکت کردیم و دوستان را در مسیر سوار کردیم و 5:30 از انزلی خارج شدیم. پس از عبور از **علی آباد** ( 5:50 )- **آبکنار** ( 6:07 )- **سه راه ضیابر** ( 6:12 )- **لیموده** ( 6:26 )- **فومن** ( 6:31 )- **میر محله** ( 6:40 ) که تقریباً در 5 کیلومتری شفت هستیم. ( در ساعت 6:45 به شفت رسیدیم و در میدان شفت برای رسیدن راهنما و همچنین خرید نان توقف کردیم. پس از آمدن آقای قنبر پور و اتمام خرید در ساعت 7:00 حرکت کردیم. طبق سایت هوا شناسی دمای شفت حدود 27 درجه و یک بارش در صبح و عصر داده بود. پس از گذر از **بداب** ( 7:06 )- **شالما** ( 7:16 )- یک شالما هم در ماسال داریم. )- **لیوندان** ( 7:22 )- **علیسرا** ( 7:28 )- **توسه** ( 7:33 ) در ساعت 7:35 به **پلی** در سمت راست جاده رسیدیم که باید جاده آسفالت آن را بالا برویم ولی به دلایلی که آقای راننده از قبل در این مسیر داشتند مینی بوس ها بالا نیامدند و ما در ساعت 7:45 از کنار پل ( 344 متر ) به سمت روستای **مزگده** و **مسجد** آنجا که میدا حرکت است به راه افتادیم. ( در اصل باید مینی بوس ها تا مسجد بیایند و مسیر هم آسفالت می باشد. ) ساعت 7:55 است و ما در روستای مزگده هستیم.

حدود 12 دقیقه بعد در سمت راست جاده به نابلویی می رسیم که مسیری به سمت آبشاری به نام **آبشار خاله نسا** را نشان می دهد. در ساعت 8:20 به مسجد در ارتفاع 528 متری ( در سمت راست جاده ) می رسیم. پس از رسیدن تمام بچه ها از کنار مدرسه کهنه ای در ساعت 8:30 پیمایش اصلی را آغاز می کنیم. طبق گفته راهنما حدود 1 ساعته شیب داریم که با گام گروه حدود یک ساعت و نیم طول کشید. پس از عبور از خانه های روستا و بالا کشیدن شیب تند مسیر در ساعت 10:05 به منطقه **روشن پره** ( 1084 متر ) که محل صرف صبحانه است می رسیم. در طول این مسیر آب نداریم. ( طبق گفته راهنما روشن پره یعنی مکانی که دیگر درخت ها تمام می شوند و می توان به راحتی آسمان و روشنایی را دید. )

پس از صرف صبحانه و با تصمیم سرپرست برای ماندن تعدادی از بچه ها و تمایل تعدادی دیگر برای ماندن با هفت نفر و به همراه راهنما در ساعت 10:40 به راه افتادیم.

در مسیر قلعه نراو یا نهراپ زیر ابر های پاک و سپید نمایان بود. مسیر بسیار زیبا و با درختانی انبوه و برگ هایی که کم کم نوید خزان را می دادند چشمه ایمان را هر لحظه به این سو و آن سو می گرداند. در ساعت 11:00 به دری چوبی در ارتفاع 1228 متری رسیدیم. در ساعت 11:55 به دشتی بسیار زیبای پای بیلاق سوته در ارتفاع 1471 متری رسیدیم. عکس هایی گرفته و به راه افتادیم.

ساعت 12:25 است و ما به بیلاق سرسبز سوته در ارتفاع 1648 متری رسیدیم

و در کلبه بسیار با صفای آنجا توسط پدر و دختری مهربان با چای و آلوی جنگلی پذیرایی شدیم. دستشان درد نکند ، چایی که نوشیدیم یکی از خوش طمع ترین چای هایی بود که در طول این سالهای کوهنوردی نوشیده بودیم.

با تصمیم سرپرست و راهنما قرار شد ناهار را همان جا خورده و سپس حرکت کنیم. پس از خداحافظی با پدر و دختر مهربان در ساعت 2:10 به سمت روشن بره حرکت کردیم. در ساعت 3:20 به دری چوبی و 3:36 به روشن بره و بچه ها رسیدیم.

پس از استراحتی کوتاه و گرفتن عکس در ساعت 3:55 به راه افتادیم. فکر می کنم حدود ساعت 4:30 بود که رگباری تند و نسبتاً کوتاه آغاز شد و مقداری خیس شدیم. ساعت 5:10 به مسجد رسیدیم و در تماسی با راننده خواستیم که بالا بیاید و خوشبختانه هر دو مینی بوس تا مسجد آمدند. پس از صحبت های سرپرست و شنیدن صحبت های دوستان سوار مینی بوس شده و 5:35 حرکت کردیم.

در انتها از خانم فلاحتی سرپرست برنامه و آقای نور بخش بابت هدایت بچه های مستقر در محل صبحانه تشکر میکنم و همچنین از راهنمای با حوصله این برنامه آقای رضا قنبر پور کمال تشکر را دارم.

شاد باشید و سلامت

عالی